



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۴/۰۳/۲۹



رسول پویان

کهن افسانه ها

بر آمد آفتاب از مشرق دل در سحرگاهان
شب یلدای تار زلف هجران را دهد پایان
خروس صبحدم درگوش یلداشب می خواند
که طفل آفتاب آورده با خود برف و یخبندان
کلاغ پیر غرغر می زند برشاخه خورشید
ولی با چنگ زهره میسراید بلبل خوشخوان
کلاه و نیزه و خورجین و رخس تیزگام آرید
که بهرام فلک یاری کند با رستم دستان
دل از شیر ورخ از خورشید عالمتاب میگیرم
قمر افشان کنم تا مشتری را درشب هجران
هلال ماه را با تاق ابرو می کنم تشبیه
که یزدان سخن تیرادب را می دهد جولان
من و دل تا که بر عرابه خورشید بنشینیم
زکیوان بگذرد در لحظه بی گردونه گردان
کلاه مهر بر سر می نهد پیر خرد آن دم
که در جام جم دوران ریزد باده رخشان
فلک از ناوک مژگان عاشق کرد تیرش را
که آب زندگی از سنگ خارا می زند فوران
نماد شادمانی را صلیب رنج و غم بشکست
قرون تیرگی شد جانشین پرتو زروان
نیایی در زمین و در زمان هرگز جاننداری
اگر خورشید نورافزا شود از دیده ها پنهان
نزاده مادر لای و لجن هرگز انسانی
ز قعر تیرگی ها کی برآید مهر نورافشان
بشر را در تنور نفرت و نفرین و جنگ افکند
به نام دهشت یهوه و جباری و فرمان
کتاب سوزی تمدن را به قعر تیرگی افکند
کتابخوانی کند دنیای انسان را نور افشان
ندارد حاصلی کشتار و ویرانی بجر نفرت
ولی عشق و محبت شهردل رامیکند عمران
به جای قبله و دیوار زاری کعبه دل ساز
که حکم مطلق و افراطیت آورده در میدان
طلسم تنگ باورهای مطلق را ز بن بشکن
به زنجیر بسته روح و مغز آدم را در زندان

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

دل اهریمنان تا صخره تاریک شب گردید
خدای مهربانی ها کند روشن دل پاکان
ز اشک دیده میترا کشم تصویر اشکانی
که حماسی کنم باعهد و پیمان نقل پارسایان
برآمد از دل مشرق زمین مهر جهان افروز
نگیرد در غروبستان طلوع شروق دل پایان
در آیین خرد قربانی و کشتار انسان نیست
مدارا و صفا و صلح و شادی میکند درمان
به جای تیغ خونین دانش و ابزار کار آورد
به جای کینه و نفرین، جشن و نیکی و آرمان
شکوه گنج تاریخ و تمدن را کنون دریاب
که دارد ریشه اقلیم خراسان در دل باستان
زمهر و ماه و ناهید و عطارد قصه ها گفتند
بچنگ زهره در بزم فلک آرم طرب جویان
سرود ورقص و موسیقی کند شادان دلها را
نیارد جنگ و افراط و ستم جز دیده گریان
دل افسانه پرور در خیالات کهن دیدم
همیشه بحر موج تخیل در سر انسان
کهن افسانه ها را با نگاه بکر و نو خوانم
که عشق و عقل و دانش را کنم پیغمبر دوران
پر از احساس و مهر و عاطفه سازید دنیا را
جهانی در تکامل را نگر در حرکت و جریان
کتاب باز هستی را اگر با چشم دل خوانید
هزاران باب بگشاییدوبی حد و حساب عنوان

2023/12/24

د پانوی شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په څير و لولئ